

هو الحكيم

عنوان:

زندگانی امام کاظم علیہ السلام

علی باقرپور کاشانی-سامان شہری



به نام خدا

علی باقرپور کاشانی هستم؛ می‌خواهم به همراه دوستم  
سامان شهری، خلاصه‌ای از زندگی امام کاظم علیه‌السلام  
را بگوییم.

امام هفتم شیعیان، امام کاظم علیه‌السلام هستند. نام  
پدر ایشان، امام صادق علیه‌السلام و نام مادرشان حمیده  
است. محل به دنیا آمدن امام کاظم علیه‌السلام، در  
روستای ابواء - بین مکه و مدینه - است. تاریخ ولادت  
ایشان، در صبح یکشنبه ۷ صفر سال ۱۲۸ هجری قمری  
است. امام کاظم علیه‌السلام در سن ۲۰ سالگی به امامت  
رسیدند؛ یعنی وقتی پدرشان شهید شدند، امام کاظم  
علیه‌السلام به امامت رسیدند و تا ۵۵ سالگی در امامت  
بودند که به شهادت رسیدند؛ طول عمر ایشان ۵۵ سال  
بود.

تاریخ شهادت ایشان در ۲۵ رجب سال ۱۸۳ هجری  
قمری در بغداد، و محل دفن ایشان در کاظمین است.  
قبل از شهادت امام صادق علیه‌السلام، ایشان امام کاظم  
علیه‌السلام را به همه‌ی مسلمانان معرفی کردند و گفتند  
بعد از من فرزندانم راهنما و امام شماست، همه باید از او  
اطاعت کنید و این دستور خداوند است.

وقتی امام صادق علیه‌السلام از دنیا رفتند، امام کاظم  
علیه‌السلام به امامت رسیدند و هدایت و رهبری جامعه‌ی  
اسلامی را بر عهده گرفتند.

امام کاظم علیه‌السلام مانند امامان قبل از خودشان در زمان  
حاکمان زورگو و ستمگر زندگی می‌کردند که با دین اسلام،  
قرآن و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دشمنی داشتند و  
به ظلم و جنایت عادت داشتند.

امام کاظم علیه‌السلام به نقشه‌های ستمگران و زورگویان آگاه  
بودند؛ از این جهت نمی‌گذاشتند که ستمگران به دین اسلام  
ضربه بزنند و بخواهند آن را نابود کنند. کافران و دشمنان  
اهل‌البیت علیهم‌السلام که نمی‌توانستند جلوی امام کاظم  
علیه‌السلام را بگیرند، تصمیم گرفتند که ایشان را به زندان  
بیندازند.

حاکمان ستمگر به همدیگر می‌گفتند اگر امام را به زندان  
بیندازیم، دیگر نمی‌تواند از دین اسلام مواظبت و حمایت  
کند و بعد از چند وقت، دوستان و یارانش او را از یاد  
می‌برند.

بعد مأموران تصمیم گرفتند امام کاظم علیه‌السلام را به چند  
زندان بیندازند.

مسئول اولین زندان، عیسی بن جعفر - نوهی منصور  
دوانیقی - بود؛

مسئول دومین زندان، فضل بن ربیع یکی از وزیران  
هارون بود؛

مسئول سومین زندان، فضل بن یحیی؛

و چهارمین زندان مسئولش سندی بن شاهک یهودی بود.  
این زندان یکی از مخوفترین و تاریکترین زندانها  
بود که امام کاظم علیه السلام را در این زندان نمناک به غل  
و زنجیر بسته بودند! جوری که زنجیر، پوست و گوشت  
ساق پای ایشان را پاره کرده بود و به استخوان رسید!  
هارون الرشید که یکی از دشمنان سرسخت اهل البیت  
علیهم السلام بود، سالهای زیادی امام کاظم علیه السلام را  
در زندانهای خودش زندانی و اسیر کرد. ولی اینقدر که  
کینهی هارون الرشید زیاد بود، به زنده بودن امام کاظم  
علیه السلام راضی نبود!

هارون الرشید به زندانبانش دستور داد که یک غذای  
مسموم به امام کاظم علیه السلام بدهد. اسم زندانبان،  
سندی بن شاهک بود. او یک خرما را مسموم کرد و به امام  
کاظم علیه السلام داد.

امام کاظم علیہ السلام وقتی خرما را خوردند، سه روز دوام  
آوردند و بعد از سه روز، شهید شدند.  
دشمنان، بدن مبارک امام کاظم علیہ السلام را روی پل  
بغداد گذاشتند و مسلمانان وقتی بدن مبارک امام را  
دیدند، در قبرستان قریش خاک کردند.  
این ماجرای تاریخی را ما از چند کتاب آوردیم:  
اول، کتاب «ارشاد» از شیخ مفید؛  
دومین کتاب، «بحار الأنوار» جلد ۴۸ که برای علامه  
مجلسی هست.  
سومین کتاب، «منتهی الأمال» برای محدث قمی؛  
و آخرین کتاب «الأنوار البهیة» که این هم برای محدث  
قمی است.